

وضعیت عمومی رضا امیرخانی پادار است

رضا امیرخانی، نویسنده پر آوازه و صاحب سبک ادبیات معاصر ایران که بر اثر سانحه سقوط پاراگلایدر (یکشنبه ۹ آذر) دچار آسیب دیدگی شده است اکنون تحت مراقبت کامل پزشکی قرار دارد.
دوستان رضا امیرخانی از شرایط رو به بهبود این نویسنده می گویند و حرفه‌های‌شان از افزایش سطح هوشیاری او حکایت دارد.
امیرخانی از چند ناحیه دچار شکستگی و آسیب شده و بنا به تشخیص پزشکان در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است. بنا بر اطلاعاتیه روابط عمومی بیمارستان کسری، وضعیت بالینی آقای امیرخانی که در این بیمارستان بستری است، تغییر قابل توجهی نداشته و همچنان تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار دارد. تیم درمانی به صورت مستمر علام حیاتی و وضعیت عمومی وی را پایش می‌کند و اقدامات درمانی تخصصی همچنان در حال انجام است.
افشین علا، شاعر، در یادداشتی که در صفحه شخصی خود منتشر کرده، به برخی از ویژگی‌های اخلاقی امیرخانی اشاره کرد و نوشت: به این استراحت نیاز داشتی. آن هم بعد از رنجی که این همه سال کشیدی، از آنچه که می‌خواهی و نمی‌بینی و از آنچه که می‌بینی و نمی‌خواهی. پس آرام بخواب و استراحت کن. بگذار پال‌های همیشه در پروازت کمی در بستر بیاسایند تا برای اوج گرفتن بیشتر رمقی تازه بگیرند. ما هنوز به هوش سرشار و ایمان استوار و قلم پربارت نیازمندیم. این بیرون، دست‌های فراوانی به دعا گشوده شده‌اند رو به آسمان. یقین دارم خدای مهربان دعاهای ما را خواهد شنید و بار دیگر رضای نازنین را به آغوش اهالی قبیله و قلم‌بازی می‌گرداند. یکی از دوستان نزدیک رضا امیرخانی صبح دیروز در پیامی کوتاه که برای خبرگزاری ایسنا ارسال شده است، نوشته بود: «آقا فالش کمی بهتره و سطح هوشیاری‌اش به ۵۵ رسیده، خدا رو شکر».
موضوع سطح هوشیاری رضا امیرخانی بعد از سانحه سقوط پرواز با پاراگلایدر و آسیب‌هایی که به او وارد شده، مساله نگران‌کننده‌ای بود و حالا افزایش سطح هوشیاری او، امیدها را برای بهبود وضعیت این نویسنده بیشتر کرده است.
خبر بهبود وضعیت هوشیاری امیرخانی در گروه تلگرامی‌ای که از زمان این حادثه در آن برای بهبودی این نویسنده ختم قرآن گذاشته‌اند و پربارش حمد شفا می‌خوانند نیز اطلاع‌رسانی شد.

دستگیری بیش از ۳۰۰ سارق و مالخر در غرب پایتخت

فرمانده انتظامی غرب استان تهران از اجرای طرح عملیاتی مقابله با ضایعاتی‌های متخلف و بازید از ۴۷۱ ضایعاتی و دستگیری ۱۹۱ سارق و ۱۲۲ اموال مسروقه خبر داد.
سرهنگ محمدرضا علیزاده در گفت‌وگو با ایسنا در توضیح بیشتر گفت: طرح عملیاتی مقابله با ضایعاتی‌های متخلف با رویکرد کنترل و رصد ضایعاتی‌ها در ۶ شهرستان تابعه انتظامی غرب استان تهران در ۲۴ ساعت گذشته توسط مأموران پلیس آگاهی به مرحله اجرا گذاشته شد.
فرمانده انتظامی غرب استان تهران افزود: در جریان اجرای این طرح، مأموران پلیس آگاهی در بازدید از ۴۷۱ واحد صنفی ضایعاتی، برای ۱۶۰ ضایعاتی‌ای خطاریه صادر شد و ۸۲ واحد ضایعاتی متخلف و دارای فعالیت مجرمانه برابر دستور قضایی بلمب شدند وی ادامه داد: در جریان اجرای این طرح، ۱۹۱ سارق و ۱۲۱ مالخر اموال مسروقه و ۷۴ توزیع کننده و مالخر دستگیر شدند. سرهنگ علیزاده اظهار کرد: همچنین ۸۶ فقره انواع سرقت، یک تن و ۶۸ کیلوگرم سیم و کابل مسروقه و ۱۲ هزار لیتر گازوئیل قاچاق نیز کشف شد.
فرمانده انتظامی غرب استان تهران درباره وسایل نقلیه سرقتی افزود: همچنین ۲۳ دستگاه خودرویی مسروقه کشف و ۶۲ دستگاه وسایط نقلیه فاقد پلاک توقیف شد.

ورود دستگاه قضا به حادثه آتش‌سوزی جنگل‌ها

سخت‌نگوی قوه قضائیه از ورود فوری و میدانی دستگاه قضایی به حادثه آتش‌سوزی جنگل‌های هیرکانی خبر داد؛ جنگل‌هایی با سابقه تمدنی چند هزار ساله که آتش‌سوزی اخیر آن موجب تأثر ایرانیان و جامعه جهانی شد.
به گفته جهانگیر، در ساعات اولیه حادثه، همکاران قضایی در محل حاضر شدند، از منطقه بازدید کردند، دستورات لازم به بخش‌های اجرایی صادر شد و برای شناسایی افراد دارای قصور یا تقصیر، پرونده قضایی تشکیل شده است. وی تأکید کرد: به محض مشخص شدن میزان قصور افراد و احراز کوتاهی در انجام وظایف، نتایج اطلاع‌رسانی خواهد شد و برابر قانون با آنان برخورد می‌شود.
سخت‌نگوی قوه قضائیه هشدار داد: آتش زدن عمدی جنگل‌ها طبق قانون، مجازات سنگین ۱۰ تا سال حبس دارد. وی افزود: افرادی که با اهداف شوم یا به‌مهری با جریان‌های معاند به صورت عمدی اقدام به آتش‌زدن جنگل‌ها کردند، قاطعانه تحت پیگرد قرار می‌گیرند و بدون اغماض با پرونده آنان برخورد خواهد شد.

بررسی نقاط تحول آفرین لایحه اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر

نشست اندیشه‌ورزی ستاد مبارزه با مواد مخدر با حضور جمعی از مسؤولان عالی‌رتبه بر گزار و در آن، بخش‌های تحول آفرین لایحه اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر بررسی شد.
در این جلسه اعضا ضمن تقدیر از تلاش‌های به عمل آمده و همچنین اذعان به تحول در مسیر پیشگیری، درمان اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر نقطه نظرات خود را مطرح کردند. از جمله مسائل تحولی مطرح‌شده در اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر می‌توان به تحول در درمان معنادر بر اساس سیاست‌های حقوقی نظام عدالت ترمیمی و دادگاههای درمان‌ساز، اقدام جدی در جهت ضربه به بنیان‌های مالی قاچاقچیان و رفع خلأهای قانونی موجود اشاره کرد.
همچنین حذف مجازات‌های ناکارآمد و ایجاد مدلی مبتنی بر حتمیت، قطعیت و ایجاد تنبیه در شدد مجازات‌ها، ارتقاء مشارکت مردمی در پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر، ایجاد مدیریت مبارزه با مواد مخدر مبتنی بر تمرکز داده‌ها، تقویت ساختار سازمانی و بافتی و ماهیتی در مبارزه با مواد مخدر و تسهیل در بازورسانی فهرست مواد مخدر از دیگر محورهای مورد تأکید در این جلسه بود.
همچنین در این جلسه بر لزوم یک مدل به هم‌پیوسته منجر به کاهش جرم، پیشگیری از ورود و شیوع اعتیاد و کارآمدی مجازات‌ها تأکید شد.

استدلال‌های روان‌شناختی در نقد مواضع اخیر محمود سریع‌القلم که معتقد است فقرا نباید مسئولیت بگیرند



در هفته‌های آغازین آذر امسال، بخشی از سخنرانی دکتر محمود سریع‌القلم در جمع دانشجویان و اساتید یکی از دانشگاه‌های تهران به سرعت در فضای مجازی و رسانهای کشور فراگیر شد. او سخنرانی را با روایت تجربه‌ای شخصی آغاز کرد: سال‌ها پیش، هنگام بر کردن فرم پذیرش در یکی از دانشگاه‌های معتبر آمریکا، با پرسشی مواجه شدم که برایم عجیب بود: «آیا در دوران کودکی اتاق شخصی داشتید؟». سریع‌القلم توضیح داد که این پرسش در واقع ابزار استاندارد دانشگاه‌های آمریکایی برای سنجش طبقه اقتصادی – اجتماعی است؛ داشتن اتاق شخصی نشانه‌ای تقریباً قطعی از تعلق به طبقه متوسط رو به بالاست. او سپس نتیجه‌گیری صریح و سنگینی کرد: کسانی که در کودکی اتاق شخصی نداشته‌اند، یعنی از طبقات پایین جامعه برخاسته‌اند، به دلیل محرومیت‌های انباشته‌شده و تمایل ناخودآگاه به «جبران عقده‌های گذشته»، صلاحیت لازم برای تصدی مناصب عالی سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی را ندارند. به گفته سریع‌القلم: «هر کسی را نباید اجازه داد وزیر اقتصاد و وزیر خارجه یا نماینده مجلس شود». وی تأکید کرد «بسیاری از تصمیم‌گیران کنونی به دنبال جبران محرومیت‌های گذشته‌اند و این نمی‌تواند یک کشور را مدیریت کند؛ نمی‌تواند شوکت ایران را برقرار کند». سریع‌القلم برای اثبات ادعایش ۲ نمونه عینی آورد. یکی توصیف وزیر خارجه پیشین آمریکایا که تعبیر «کریه‌الصف» توسط یک مقام پیشین سیاسی ایرانی و دیگری انتقادهای تند یک روزنامه از همسر رئیس‌جمهور فرانسه، به باور وی، «کسی که از طبقه متوسط باشد این حرف‌ها را نمی‌زند»؛ اینگونه اظهارات در جایی «ثبت می‌شود» و بعداً به شکل تأخیر ۸ ماهه در مذاکرات برجام یا تنش‌های دیپلماتیک هزنش‌اش را بر کشور تحمیل می‌کند. سریع‌القلم در نهایت اعلام کرد «دنیا را کسانی می‌شناسند که از طبقه متوسط به بالا باشند»، «اقتصاد را همین طبقه می‌فهمد» و تنها طبقه متوسط می‌تواند آینده ایران را رقم بزند.

این سخنان به سرعت دوقطبی شدید ایجاد کرد: گروهی آن را «واقع‌بینی تلخ اما ضروری» دانستند و گروهی دیگر آن را «توهین آشکار به اکثریت مردم ایران» و «بازگشت به نظریه‌های تخبه‌گرایانه منسوخ» توصیف کردند. در این نوشتار قصد داور سیاسی یا صحت‌سنجی سخنان سریع‌القلم را نداریم، غایت‌مان هم تحلیل جامعه‌شناسانه یا سیاسی از این اظهارات یا تکرارشناسی سیاسی گوینده نیست، هدف ما صرفاً یک چیز است: بازخوانی این ادعای طبقاتی از منظر مطالعات روانشناختی و علوم رفتاری معاصر تا مشخص شود آیا واقعاً «تجربه فقر در کودکی» به‌طور جبری یا حتی با احتمال بسیار بالا به ناهنجاری سیاسی، دیپلماتیک یا مدیریتی در بزرگسالی منجر می‌شود یا خیر. برای پاسخ، به بازخوانی ۶ نظریه و مجموعه شواهد کلیدی می‌نشینیم:

■ **نظریه کمبود (شاقیر و مولابن)**

ادعای سریع‌القلم این است که کسانی که در کودکی اتاق شخصی نداشته‌اند، ذهن‌شان به‌طور دائمی درگیر «جبران محرومیت» است و از این رو تصمیم‌گیری‌شان غیرعقلانی و احساسی می‌شود.

بررسی نظریه کمبود دقیقاً برعکس را نشان می‌دهد: فقر باعث توتل دیدشناختی و کاهش پهنای باند ذهنی می‌شود؛ اما این اثر موقتی و وابسته به وضعیت کنونی است، نه یک ویژگی شخصیتی دائمی. آزمایش‌های میدانی در هند و آمریکا نشان داد وقتی همان افراد فقیر پس از دریافت محصول (یعنی در وضعیت فراوانی موقت) آزمایش شدند، عملکرد شناختی‌شان به سطح افراد مرفه رسید. بنابراین «جبران عقده گذشته» به عنوان یک انگیزه پادار روانشناختی تأیید نمی‌شود؛ آنچه دیده می‌شود فقط اثر موقت فشار مالی جاری است، نه یک نقص شخصیتی مادام‌العمر ناشی از نداشتن اتاق در کودکی.

■ **نظریه فشار (مرون و آگنیو)**

سریع‌القلم عملاً از نسخه ساده‌شده نظریه فشار استفاده می‌کند: «هر رفتار غیرعقلانی یا خصمانه محصول نوعی تمایل به جبران محرومیت دارد که در گذشته تجربه شده است»؛ اما آگنیو و تحقیقات بعدی تأکید می‌کنند که واکنش به فشار کاملاً مشروط و فردی است. ۳ مسیر اصلی وجود دارد: ناواری (جرم برای رسیدن به هدف)، عقب‌نشینی (اعتیاد، انزوا)، مقاومت مثبت (تلاش بیشتر برای موفقیت

مشروع). بررسی بیش از ۱۲۰ مطالعه نشان داد مسیر غالب در مواجهه با فشار طبقاتی، «مقاومت مثبت» و «تلاش مضاعف» است، نه خصومت یا رفتار غیرعقلانی. بنابراین ادعای «کثر افراد طبقات پایین به جبران‌گرایی مخرب گرفتار می‌شوند» یا داده‌های تجربی همخوانی ندارد.

■ **نظر به دلبستگی (بالبی و همکاران)**

مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده رفتار بزرگسالی، کیفیت دلبستگی اولیه است، نه داشتن اتاق شخصی. مطالعات طولی نشان می‌دهد کودکانی که حتی در فقر مطلق، حداقل یک رابطه امن و پاسخگو با مراقب اصلی داشته‌اند، در بزرگسالی کنترل هیجانی، همدلی و مهارت حل مساله بالاتری نشان می‌دهند. در بسیاری از خانواده‌های ایرانی طبقه پایین، همین رابطه گرم مادر–کودک یا پدر–کودک (حتی در یک اتاق مشترک) نقش لنگر تاب‌آوری را ایفا می‌کند. بنابراین فقر مادی به‌خودی‌خود دلبستگی را نابود نمی‌کند؛ آنچه صلاحیت سیاسی را تعیین می‌کند کیفیت رابطه است، نه متراژ خانه.

■ **مدل تاب‌آوری (ماستن و گارمزی ورنر)**

یکی از استوارترین یافته‌های روانشناسی رشد در نیم قرن گذشته این است که تاب‌آوری نه یک ویژگی نادر و استثنایی، بلکه قاعده زندگی انسان است. آن ماستن، از پیشگامان این حوزه، پس از بررسی صدها پروژه طولی در سراسر جهان اعلام کرد: «تاب‌آوری احساسی یا غیرعقلانی نیست، فرصت‌های طولانی‌ترین این پژوهش‌ها، مطالعه جزیره کائوآی در هاوایی است که از سال ۱۹۵۵ آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. در این تحقیق، ۶۹۸ کودک که هنگام تولد در معرض حداقل ۴ عامل خطر شدید (فقر مطلق والدین الکلی یا مبتلا به بیماری روانی، خشونت خانگی و طلاق والدین) قرار داشتند، تا سن ۶۰ سالگی پیگیری شدند. نتیجه حیرت‌انگیز بود: حدود دوسوم این کودکان در بزرگسالی زندگی کاملاً سالم، قانون‌مدار، خانواده‌دار و اغلب موفق از نظر شغلی و اجتماعی داشتند. تنها یک‌سوم به مشکلات جدی (اعتیاد، بزهکاری و بیماری روانی) دچار شدند.

عامل پیش‌بینی‌کننده اصلی موفقیت یا شکست چه بود؟ نه سطح درآمد خانواده، نه تحصیلات والدین و نه حتی شدت فقر، بلکه وجود حداقل یک بزرگسال حامی و قابل اعتماد در زندگی کودک بود؛ معلم، همسال، خویشاوند، مربی ورزشی و… همین رابطه گرم و پادار کافی بود تا تمام اثرات مخرب فقر و آشوب خانوادگی خنثی شود. پروژه دانلدین معتبر منتشر شد. در یکی از معروف‌ترین آزمایش‌ها، افراد با اتومبیل‌های لوکس و گران‌قیمت در چهار راه‌آ ۴ برابر بیشتر از رانندگان اتومبیل‌های معمولی و ارزان‌قیمت از حق تقدم عبiran پیاده عبور می‌کردند و قانون را زیر پا می‌گذاشتند. در آزمایش دیگری، شرکت‌کنندگان باید در بازی تاس امتیاز خود را گزارش می‌دادند (در حالی که امکان تقلب بدون شناسایی وجود داشت)؛ افرادی که خود را از طبقه بالا معرفی می‌کردند به‌طور معناداری بیشتر تقلب می‌کردند. در آزمایش معروف «ظرف شکلات»، به افراد گفته شد که شکلات‌ها برای کودکان یک آزمایش دیگر کنار گذاشته شده اما می‌توانند به دلخواه بردارند؛ افراد طبقه بالا تقریباً ۲ برابر



■ **عصب‌شناسی فقر**

بسیاری از کسانی که ادعای سریع‌القلم را می‌پذیرند، به مطالعات تصویربرداری مغزی استناد می‌کنند که نشان می‌دهد کودکان فقیر حجم کمتری در قشر پیش‌پیشانی (مسئول کنترل تکانه و برنامه‌ریزی) و هیپوکامپ (مسئول حافظه و یادگیری) دارند. این یافته درست است اما نیمی از داستان را می‌گوید. نیمه دیگر داستان، قابلیت شگفت‌انگیز بازگشت‌پذیری مغز انسان است. کمبریلی نوبل، مارتا فرح و گری ایوانز در تحقیقات گسترده خود نشان دادند این تغییرات ساختاری تا حد بسیار زیادی قابل جبرانند. برای مثال وقتی خانواده‌های کهدرآمد در آزمایش‌های تصادفی از کمک‌هزینه نقدی ماهانه برخوردار شدند (مانند آزمایش بزرگ در کنیا و کاستاریکا)، تنها پس از یک تا ۲ سال، حجم قشر پیش‌پیشانی و عملکرد شناختی کودکان به سطح همسالان مرفه‌شان نزدیک شد.

حتی در مواردی که مداخله دیر تر انجام شد (مثلاً برنامه‌های آموزشی فشرده برای نوجوانان)، مغز همچنان توانایی بازسازی خود را نشان داد. این پدیده «نوروپلاستیسنی» نام دارد و یکی از کشف‌های بزرگ علوم اعصاب قرن حاضر است: مغز انسان تا پایان عمر قادر به تغییر و ترمیم است، بنابراین حتی اگر کودکی در فقر شدید مغز کوچک‌تری داشته باشد، این به معنای محکومیت ابدی او به تصمیم‌گیری احساسی یا غیرعقلانی نیست، فرصت‌های آموزشی مناسب، کاهش استرس مالی و حمایت اجتماعی، همان مغز می‌تواند به سطحی کاملاً طبیعی و حتی برتر برسد. نتیجه روشن است: «آسیب مغزی ناشی از فقر» نه یک تکه قطعی و غیرقابل تغییر است و نه می‌تواند فردی را تا آخر عمر از صلاحیت سیاسی و مدیریتی محروم کند. اگر قرار باشد کسی را به خاطر ساختار مغز کودکی‌اش قضاوت کنیم، این قضاوت نه علمی است و نه عادلانه.

■ **روانشناسی اخلاق طبقاتی (تحقیقات پاول بیف و همکاران)**

شاید قاطع‌ترین شواهد علیه ادعای دکتر سریع‌القلم دقیقاً از همین حوزه به دست آید؛ حوزه‌ای که مستقیماً اخلاق عملی و رفتار واقعی افراد را در طبقات مختلف بررسی کرده است. پاول بیف، روانشناس دانشگاه برکلی، همراه با گروهی از همکارانش طی بیش از یک دهه و در بیش از ۱۵۰ آزمایش و مطالعه میدانی، رفتار اخلاقی افراد را در موقعیت‌های کاملاً کنترل‌شده و واقعی سنجیدند و نتایج‌شان بارها در مجلات معتبر منتشر شد. در یکی از معروف‌ترین آزمایش‌ها، افراد با اتومبیل‌های لوکس و گران‌قیمت در چهار راه‌آ ۴ برابر بیشتر از رانندگان اتومبیل‌های معمولی و ارزان‌قیمت از حق تقدم عبiran پیاده عبور می‌کردند و قانون را زیر پا می‌گذاشتند. در آزمایش دیگری، شرکت‌کنندگان باید در بازی تاس امتیاز خود را گزارش می‌دادند (در حالی که امکان تقلب بدون شناسایی وجود داشت)؛ افرادی که خود را از طبقه بالا معرفی می‌کردند به‌طور معناداری بیشتر تقلب می‌کردند. در آزمایش معروف «ظرف شکلات»، به افراد گفته شد که شکلات‌ها برای کودکان یک آزمایش دیگر کنار گذاشته شده اما می‌توانند به دلخواه بردارند؛ افراد طبقه بالا تقریباً ۲ برابر

استدلال‌های روان‌شناختی در نقد مواضع اخیر محمود سریع‌القلم که معتقد است فقرا نباید مسئولیت بگیرند

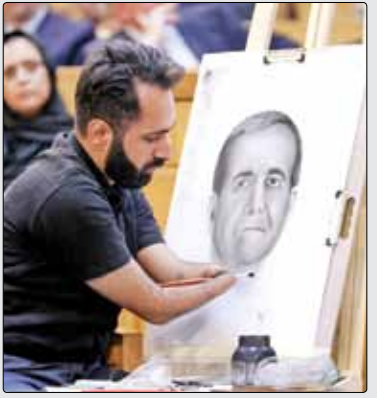
گم‌شده در اتاق کودکی

افراد طبقه پایین شکلات برداشتند، حتی با آگاهی از اینکه این کار به ضرر کودکان است. در مقابل وقتی همین افراد در موقعیت‌های واقعی زندگی بررسی شدند (مثلاً میزان کمک داوطلبانه به خیریه‌ها، وقت گذاشتن برای شنیدن درد دل یک غریبه یا بخشش در شرایط واقعی کمبود)، افراد از طبقات پایین به‌طور چشمگیری رفتار هم‌دلا‌تر، بخشنده‌تر و ایثار‌گرانه‌تری نشان دادند. بیف این تفاوت را اینگونه توضیح می‌دهد: کسانی که خود تجربه کمبود و محرومیت داشته‌اند، درد دیگران را عمیق‌تر حس می‌کنند، بنابراین در موقعیت واقعی، کمتر خودمحور و بیشتر مسؤولیت‌پذیر عمل می‌کنند. در حالی که افراد طبقه بالا که کمتر با رنج واقعی مواجه شده‌اند، بتدریج حس «استحقاق» در آنها رشد می‌کند و همدلی‌شان کاهش می‌یابد. این یافته‌ها دقیقاً نقطه مقابل فرض سریع‌القلم است. او مدعی است محرومیت کودکی باعث نوعی شرارت ذاتی، خصومت و رفتار غیراخلاقی در سیاست می‌شود، در حالی که شواهد تجربی نشان می‌دهد همین تجربه محرومیت در اکثر موارد حساسیت اخلاقی را افزایش می‌دهد و افراد را در برابر رنج دیگران هوشیارتر می‌کند. اگر قرار باشد بر اساس این تحقیقات کسی را در رفتار اخلاقی و دیپلماتیک «کم‌صلاحیت‌تر» بدانیم، داده‌ها متأسفانه به سمت طبقه بالا اشاره می‌کنند، نه پایین. بنابراین، نت‌نها تجربه فقر به فساد اخلاقی یا سیاسی منجر نمی‌شود، بلکه در بسیاری موارد، بهترین واکسن در برابر خودمحوری و بی‌تفاوتی نسبت به درد مردم است.

■ **فقر تقدیر نیست استاد!**

علم روانشناسی و علوم رفتاری امروز با صدای رسا و تکیه بر ده‌ها هزار ساعت پژوهش طولی، آزمایشگاهی و عصب‌شناختی به ما می‌گوید ادعای دکتر سریع‌القلم مبنی بر ناتوانی ذاتی و تقریباً جبری کسانی که در کودکی اتاق شخصی نداشته‌اند، از پایه با واقعیت‌های تجربی ناسازگار است. فقر کودکی فشار سنگینی است اما این فشار در اکثریت قاطع موارد (بین ۸۰ تا ۹۰ درصد در بهترین مطالعات) به ناهنجاری سیاسی، دیپلماتیک یا مدیریتی پادار تبدیل نمی‌شود. آنچه تبدیل می‌شود استثناست، نه قاعده و استثنای کمی‌تواند مبنای سیاست‌گذاری و قضاوت عمومی یا فیلتر کردن صلاحیت میلیون‌ها انسان باشد. در واقع، همین فشار فقر در بسیاری موارد به جای آنکه انسان را به عقده و خصومت بکشانند، او را به عمق همدلی، صبر استراتژیک و واقع‌بینی و تاب‌آوری می‌رساند که در شرایط گلخانه‌ای طبقه متوسط کمتر یافت می‌شود. کسانی که در خانه‌های کوچک، با دغدغه نان شب و اجاره‌خانه بزرگ شده‌اند، معمولاً هزینه واقعی هر تصمیم غلط را با پوست و گوشت خود حس کرده‌اند؛ همین تجربه زیسته، آنها را در برابر سوسه‌های کوتاه‌مدت مقاوم‌تر و در برابر درد مردم حساس‌تر می‌کند. تاریخ معاصر ایران نیز بر این نمونه‌هایی است که این ادعای طبقاتی را به چالش می‌کشد: از فرماندهان بزرگی که از روستاهای محروم برخاستند و معادلات منطقه را تغییر دادند و مدیران و سیاست‌مدارانی که با وجود محرومیت کودکی، گره‌های کور دیپلماتیک و اقتصادی را با صبوری و هوشمندی گشودند، آنچه صلاحیت سیاسی و توانایی حکمرانی را تعیین می‌کند، نه متراژ اتاق کودکی، بلکه کیفیت روابط اولیه، انسجام هویت اخلاقی، فرصت‌های آموزشی برابر، تجربه عملی و تعهد به منافع ملی است. اگر قرار باشد فیلتری برای ورود به مناصب حساس وضع کنیم، این فیلتر باید بر پایه شایستگی واقعی، دانش، بهروز، سابقه عملکرد و سلامت مالی باشد، نه بر پایه یک پرسش فرم پذیرش دانشگاه آمریکایی که خود آن دانشگاه‌ها نیز امروز از آن فاصله گرفته‌اند و آن را ناکافی و گاهی تبعیض‌آمیز می‌دانند. بنابراین هرگونه تلاش برای محدود کردن عرصه سیاست و مدیریت به «صاحبان اتاق شخصی» نه تنها از نظر علمی بی‌پایه است، بلکه به معنای نادیده گرفتن بزرگ‌ترین سرمایه‌انسانی کشور، یعنی میلیون‌ها ایرانی شریف، سخت‌کوش و تاب‌آوری است که با وجود همه سختی‌ها، اخلاق و عقلانیت خود را حفظ کرده‌اند. این رویکرد، به جای تقویت طبقه متوسط، به تضعیف اعتماد ملی، تعمیق شکاف طبقاتی و سوق دادن استعدادهای واقعی به حاشیه منجر خواهد شد. علم روانشناسی به ما یادآوری می‌کند انسان موجودی به‌غایت انعطاف‌پذیر و تاب‌آور است؛ سرنوشت او را نه دیوارهای اتاق کودکی بلکه انتخاب‌ها، روابط و فرصت‌هایی که جامعه در اختیارش می‌گذارد رقم می‌زند. ایران آینده را نه با حذف اکثریت، بلکه با میدان دادن به همه شایستگان، صرف‌نظر از پیشینه طبقاتی‌شان خواهد ساخت.

آیین گرامیداشت روز جهانی افراد دارای معلولیت با حضور رئیس‌جمهور و جمعی از مسؤولان در سالن اجلاس سران برگزار شد



حل معضل آلودگی هوا نیازمند راهکارهای اصولی و اجرای درست قانون است؛ دستگاه‌های متولی به تکالیف خود عمل کنند

تکیه بر باد

همچنان به انتظار وزش باد و نزولات جوی می‌نشینند. مسؤولان به جای راهکاری اصولی به تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها، دور کاری ادارات و اجرای طرح زوج فرد خودروها رو آورده‌اند. بی‌توجهی به اجرای کامل قانون هوای پاک تا جایی است که روز گذشته رئیس شورای شهر تهران با تأکید بر اینکه حل آلودگی هوا نیازمند اجرای مؤثر قانون است، پیشنهاد داد وزیر کشور جلسات منظم ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها در اجرای قانون هوای پاک را برگزار کند تا روند عمل به تکالیف، شفاف

بهشت زهر(اس) تا ماه قبل میانگین روزی ۱۸۰ نفر بود و امروز به روزی ۲۲۰ نفر رسیده است؛ رشد ۲۰ درصدی در یک ماه نشان‌دهنده وضعیت فاجعه‌بار آلودگی هواست. مهدی بابایی با اشاره به آسیب‌های آلودگی هوا به مردم اظهار کرد: با این مدل حکمرانی ابدی به تغییر وضعیت جدی در بحث آلودگی هوا نداریم؛ سال‌های سال است که قوه مجریه به تکالیف خودش عمل نمی‌کند. قوه مقننه نظارت عالی‌ه را انجام نمی‌دهد و قوهقضائیه به ترک فعل‌ها رسیدگی نمی‌کند. تنها راه پیش رو تغییر مدل حکمرانی در این حوزه است و مسیر باید از طریق قوه مقننه پیگیری شود اگر نه همین وضعیت ادامه خواهد داشت. این در حالی است که موضوع آلودگی هوا مستقیماً با جان مردم سروکار دارد. همچنین وزارت بهداشت باید در این زمینه شفاف‌سازی و میزان افزایش مراجعات را اعلام کند.